

سریال گاهی به پشت سر نگاه کن با برخورداری از فیلمنامه ای
مستحکم، استفاده از بازیگران قدرتمند و شاخص و ساختاری
ممتاز و متمایز از سایر سریال ها، به یک درام پلیسی
و کارآگاهی هم تبدیل شده است



دست می زند. امین تارخ در سریال گاهی به پشت سر نگاه کن نیز در نقش جلال تابش در وضعیت مشابهی قرار می گیرد، منتها این بار شیاطین نه از عالم غیب که در دنیای واقعی مشغول تبهکاری هستند و او را به سمت پرتگاه می برند. این بار یک «عتیقه» مثل شیطان است و کارکرد فریب شخصیت اول این سریال را برعهده دارد.

سریال گاهی به پشت سر نگاه کن پر از شیاطینی است که هم نوکیسه و زراندوز هستند و هم انسان های میان مایه ای همچون جلال تابش را به راحتی فریب می دهند و هم از انسان های خوب می ترسند. این مضمون مترقی و بسیار مناسبی برای یک سریال ماه رمضان است.

سریال گاهی به پشت سر نگاه کن با برخورداری از فیلمنامه ای مستحکم، استفاده از بازیگران قدرتمند و شاخص و ساختاری ممتاز و متمایز از سایر سریال ها، به یک درام پلیسی و کارآگاهی هم تبدیل شده است. باین حال، آنچه به این سریال لطمه وارد کرده، شروع نه چندان جذاب آن است.

یک سریال، باید در همان قسمت اول، داستان اصلی خود را شروع کند، یا حداقل ماجراهایی گرم و مجذوب کننده را سرآغاز درام خود قرار دهد. این درحالی است که مازیار میری در انتخاب شروع داستان سریال خود، اشتباه استراتژیکی را مرتکب شده است. طوری که چند قسمت اول این سریال به ماجرای یافتن یک عتیقه توسط دو خلافکار و تلاش برای رسیدن به مرز و گره خوردن آنها با کاروان کمک به زلزله زده ها اختصاص داشت. پس از دو قسمت، ناگهان مخاطب به زمان حال و کارخانه ای رو به فرسایش پرت می شود. اگر از همان قسمت نخست، مسأله ورشکستگی کارخانه و کشمکش میان مدیران کارخانه و دشمن های آنها کلید می خورد و در خلال این حوادث، داستان مربوط به گذشته هم ترسیم می شد، جذابیت این سریال افزون تر می گردید. همچنان که در قسمت های پایانی نیز حجم دیالوگ ها بسیار زیاد شده و ضربه انگ کار، کشدار شد.



به بهانه بازپخش سریال «گاهی به پشت سر نگاه کن»

شیطان و عتیقه هایش!

مجموعه تلویزیونی «گاهی به پشت سر نگاه کن» اولین بار به عنوان سریال مناسبی شبکه دوی سیما در ماه رمضان سال ۱۳۹۳ پخش شد. این سریال به کارگردانی مازیار میری و با نقش آفرینی بازیگرانی چون مرحوم امین تارخ، هدایت هاشمی، محمد متوسلانی، سعید چنگیزیان،

آرش فهمیم
سردبیر قاصدیک کوچک

طرفی اطرافیان و دشمنان دیرینه اش تصمیم دارند او را با پاپوش ورشکسته کنند. مرحوم امین تارخ که در سریال گاهی به پشت سر نگاه کن یکی دیگر از نقش آفرینی های مقتدرانه خود را انجام داده، قبلا در سریال «اگما» هم نقش نخبه ای را بازی کرده بود که وارد تعامل با یک شیطان می شود و فریب او را می خورد! شیطانی که از عالم غیب در جسم یک فرد متوفی رسوخ می کند و به انحراف دکتر پژوهان

لیکا عبدالرزاقی، بهاره کیان افشار، نگار عابدی و... از شبکه آی فیلم در حال بازپخش است. در خلاصه داستان این سریال آمده است: این سریال روایتگر مرد کارخانه داری به نام جلال تابش با بازی مرحوم تارخ است که با ماجراهای متعددی روبه رو می شود. او آدم خود ساخته ای است که کارش را از صفر شروع کرده اما اکنون که کارخانه اش توسعه یافته از طرفی با مشکلی به نام واردات بی رویه جنس های خارجی روبه روست و از

یک الگوی پرنشاط

یکی از خاطرات حامدیان که به گفته خودش هیچ گاه از ذهنش پاک نمی شود راجع به خانم مسنی است که به اصرار زیاد شماره تلفن وی را از روابط عمومی شبکه سه گیر می آورد و با او تماس می گیرد. حامدیان در این رابطه می گوید: وقتی با من تماس گرفت، گفت من جای مادر شما هستم و بیماری سرطان دارم، یکی از پاهایم را از دست دادم، کبد و کلیه هایم را برداشته اند و هر روز صبح با تمام درد و مشکلاتی که دارم، وقتی برنامه شما را می بینم دردهایم را فراموش کرده و با شما ورزش می کنم. همین موضوع نشان می دهد یک برنامه که علاوه بر محتوای سالم، دارای یک فرم خوب است تا چه اندازه می تواند از دید مخاطبان ارج نهاده شود. آن هم برای کسانی که شاید در حالت عادی حتی حوصله تلویزیون نگاه کردن را هم نداشته باشند. ولی حاضرند هر روز تلویزیون را روشن کنند و همراه آن برنامه به ورزش بپردازند. قطعا غایت نهایی یک رسانه بالاتر از این اتفاق مبارک چیزی نمی تواند باشد. شاید بد نباشد از این اتفاق

حبیب... حامدیان اسمی است که شاید کمتر آن را شنیده باشید اما دهه شصتی ها و حتی دهه هفتادی ها به خوبی صاحب این نام را می شناسند. کسی که از دهه ۷۰ وارد تلویزیون شد و در برنامه هایی نظیر سیمای بامدادی که از شبکه یک پخش می شد، به اجرای ورزش های صبحگاهی می پرداخت و در ادامه به خاطر محبوبیتی که بین مخاطبان یافت به شبکه سه رفت و تا همین امروز هم آیت های ورزشی اش ادامه دارد. برنامه هایی که مخاطبان خود را در منزل و حتی محل کار و ادار به ورزش می کرد.

حامدیان علاوه بر سبک متفاوت و پرنشاطی که در اجرای برنامه هایش داشت، هیچ گاه خنده از روی لبانش محو نمی شد. برای همین حتی مخاطبانی که احیانا همراه او نرمش نمی کردند، از کنار این برنامه پرنشاط به راحتی نمی توانستند عبور کنند.

سید مهدی فخرنبری
منتقد



هستیم. اما الگو قراردادن یک مربی - مجری توانمند به همراه برنامه ای که علاوه بر نشاط بخشی می تواند مخاطبان خود را به تحرک وادار کند، در کنار جذب مخاطب حتما می تواند به ارتقای سطح سلامت جامعه هم کمک کند.

خوب الگو برداری صورت گیرد؛ الگویی که تا امروز مخاطبان خود را حفظ کرده است. البته این حرف نباید این طور معنی شود که دیگر برنامه ها فاقد کیفیت هستند. اتفاقا امروز ما شاهد ادامه این روند برنامه سازی در صدا و سیما بالاخص در شبکه نسیم